



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...

نشریه عین

نشریه تخصصی مدرسه اسماء الحسنی

شماره هشتم	سال دوم	تیر ماه ۱۴۰۵
------------	---------	--------------



طراحی و اجرا: گروه رسانه اسماء الحسنی

صفحه ۳- یادداشت سردبیر

صفحه ۴- علوم جدید؛ فرصت‌ها و تهدیدها

صفحه ۶- خودباوری، رمز فتح قله‌های مختلف علم و فناوری

صفحه ۸- تدبیر در قرآن، بیعت با ولایت

صفحه ۱۰- رابطه علم و حیات

صفحه ۱۲- کلام واسطه ارتباط با دیگران

صفحه ۱۴- هندسه هدایت

صفحه ۱۶- ضرورت پرهیز از کلمات کفر و گرایش به کلمات توحیدی

مُهِجَه قَلْبِ نَبِیِّ یا ثارِ الله

جانداري که ذبح می‌شود، وقتی روی زمین می‌افتد، آنقدر دست و پا می‌زند که خون جاری در رگ‌هایش کاملاً خارج می‌شود. دیگر خونی در رگ‌ها باقی نمی‌ماند که اکسیژن را به ارگان‌ها برساند. بعد از تمام تلاش‌ها، وقتی بی جان روی خاک افتاد، لخته خونی در قلبش باقی می‌ماند، عرب به آن لخته‌ی خون باقی مانده در قلب می‌گوید «مُهِجَه»!

عصر عاشورا وقتی بعد از تمام سلام‌ها به آستان‌تان و لعن‌ها بر دشمنانتان، بعد از خواندن زیارت عاشورا، سر بر تربت شما می‌گذاریم، از رب متعال طلب می‌کنیم،

.....وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْخُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْخُسَيْنِ الَّذِينَ *بَذَلُوا مُهِجَهُمْ دُونَ الْخُسَيْنِ * عَلَيْهِ السَّلَام.

بمانیم ثابت قدم با آنانی که مهجه خود را در راه امامشان بذل کردند. آنانی که با وجود صدها زخم باز زهم ایستادند، آنانی که تا سویی در چشمانشان باقی مانده بود از امامشان دفاع کردند، آنانی که بعد از تمام شدن همه هستی‌شان، حتی آن لخته خون باقی مانده را نیز فدای مسیر حق نمودند. نگذاشتند حتی به قدر کمتر از نفسی آنها زنده باشند و امامشان بی یار و یاور بماند.

حالا که بیش از یک سال است صحنه‌ی تقابل حق و باطل بیش از پیش عیان شده است، حالا که تمام کفر در برابر تمام ایمان و مقاومت ایستاده است و ما را حزن عروج شهیدان و سرآمد آنها رهبر عزیزمان در بر گرفته، با اقامه‌ی عزای حسینی اراده و عزم خود را برای یاری امام زمان محکم می‌کنیم و از ولی عصر مدد می‌خواهیم که ما را تا بذل مهجه در مسیر حق ثابت قدم نگه دارد. از او می‌خواهیم این عرض ارادت‌های ما به پیشگاه سرور و سالار شهیدان ما را برای عرصه‌های سخت‌تر جهاد آماده کند. نباشد لحظه‌ای که ما در این عالم نفس بکشیم و امر امام حی و حاضر بر زمین بماند.



علوم جدید؛ فرصت‌ها و تهدیدها

گردآوری: سیده زهرا طباطبایی

از چند شماره قبل، این ستون را به بیانات حضرت آیت الله شهید سید علی خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی در سوم بهمن ماه سال ۱۳۹۷ اختصاص دادیم. ایشان در کل این دیدار به موضوع علوم جدید و پیشرفت‌ها، چالش‌ها و رویکرد صحیح نسبت به آن پرداختند.

۹. یک راهبرد بومی تعریف کنید

شما بایستی خودتان، هدف‌های خودتان را در این دانش معین کنید؛ در همه‌ی بخش‌های علوم شناختی، اول شما هدف‌گذاری کنید تا ببینیم ما چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم، آن وقت بر اساس آن هدف‌گذاری، شما موضوع و پروژه تعریف کنید و بخواهید که دانشمند، دانشجو، پژوهشگر، جوان و مانند اینها این پروژه را [انجام بدهند]. این نباشد که شما مطالبه پروژه کنید بدون اینکه هدف‌گذاری کرده باشید؛ مثلاً فرض بفرمایید در دانشگاه‌ها کسانی به میل خودشان یک پروژه‌ای را تعریف کنند، بیایند با شما مثلاً بخواهند هماهنگ کنند، کار کنند که این پروژه اصلاً -به تعبیر فرنگی- روی پازل و مجموعه شما هیچ تأثیری نمی‌گذارد و این جدول شما را پُر نمی‌کند. شما اول جدولتان را تعریف کنید که چه می‌خواهید، چه کار می‌خواهید بکنید، بعد آن وقت خانه‌های این جدول را از فلان دانشگاه، از فلان پژوهشگاه و از آن مجموعه مطالبه کنید تا برای شما تهیه کنند و بیاورند. پس بنابراین این هم توصیه دوم ما است که به خودتان تکیه کنید، یک راهبرد بومی تعریف کنید برای پیشبرد این دانش‌ها و بر اساس آن، کاربران را وادار کنید که کار کنند.

۱۰. فقط خدا را در نظر داشته باشید

و به خدا هم توکل کنید و اطمینان کنید و یتیمان را خدایی کنید. اینکه گفتیم از جان مایه بگذارید، خب آدم از جانش برای چه کسی مایه می‌گذارد؟ از جان نمی‌شود برای کسی مایه گذاشت، مگر برای خدا؛ برای خاطر اینکه در حساب الهی، حسنات محفوظ است. شما اگر چنانچه از آن وقتی که برایتان مقرر شده که کار کنید، نیم ساعت بیشتر کار کردید و بهتر کار کردید و بادقت‌تر کار کردید، ممکن است آن کسی که کار را به شما محول کرده اصلاً نفهمد و نداند اما در محاسبات الهی ثبت می‌شود، هیچ چیز ضایع نمی‌شود؛ به این توجه کنید.



۱۱. مواظب تاثیر این علوم بر جوانان باشید

و سعی هم بکنید این علوم حسّاس که با ذهن و فکر و استدلال و تصمیم و معرفت و مانند اینها ارتباط پیدا می‌کند، موجب گمراهی جوان‌ها نشود؛ حواستان باشد! جوری حرکت بکنید، با مبنائی حرکت بکنید که همان طور که در اوّل صحبت عرض کردم و در آغاز این برنامه هم آقای دکتر خّزّازی نوشته بودند از قول امیرالمؤمنین، آشنایی با این علوم و وارد شدن در این عرصه ما را با خدا بیشتر آشنا کند، جوان‌های ما را با توحید و با معرفت الهی بیشتر آشنا کند؛ سعی‌تان این باشد. اگر این را هدف قرار دادید، آن وقت هر یک ساعتی که صرف می‌کنید، یک حسنه ماندگار است و پاداش الهی آن، پاداش بسیار عظیمی خواهد بود ان شاءالله. ما هم دعا می‌کنیم که ان شاءالله خدا شماها را موفق بدارد و باز هم از آقای دکتر ستّاری، آقای دکتر خّزّازی و بقیّه آقایان تشکّر می‌کنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته



خودباوری، رمز فتح قله‌های مختلف علم و فناوری

گردآوری: سیده زهرا طباطبایی

ما اولین شرکتی بودیم که در ایران و منطقه، از سال ۹۲ وارد حوزه تولید پنجه‌های کربنی پیشرفته برای معلولین قطع عضو شدیم. اکنون پس از ۱۲ سال تجربیات بین المللی، مایلیم نگاه خودم در حوزه علم و فناوری را با شما به اشتراک بگذارم. من در این سال‌ها متوجه این موضوع شدم که در آینده‌ای نه چندان دور، ایران می‌تواند کشوری صاحب قدرت و سرآمد در حوزه علم و فناوری باشد. به همین خاطر کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا، همه تلاش خودشان را می‌کنند تا کشورهای در حال توسعه را در حوزه علم و فناوری مستعمره خودشان بکنند. غیر از تحریم، یکی از مهم‌ترین روش‌هایشان هم تبلیغات فرهنگی است؛ یعنی سعی می‌کنند در بطن جوامع این موضوع را القا کنند که شما امکان انجام کارهای بزرگ علمی را ندارید. به‌اشکال مختلف می‌گویند که شما نمی‌توانید به قله‌های علمی برسید و این قله‌ها در انحصار ماست.

این روش در کشور ما هم پیاده شده و متأسفانه همین تبلیغات، یکی از موانع اصلی حرکت جوان‌های ما به سمت علم و فناوری است. خاطرم هست ابتدای کار که ما تولید پنجه‌های کربنی را شروع کرده بودیم، به ما می‌گفتند: «این محصول آنقدر فناوری پیشرفته یا اصطلاحاً هایت‌کی دارد که شما حتی یک پیچش را هم نمی‌توانید در ایران تولید کنید، چه رسد به خود پنجه کربنی!» کلاً در حوزه توان‌بخشی کشور ما را به سمتی برده بودند که فقط به خارج از کشور وابسته باشد. اما خوشبختانه بعد از اینکه ما توانستیم پنجه‌های کربنی را تولید کنیم، این خودباوری ایجاد شد. به لطف خدا، بعد از ما شرکت‌های دیگری هم آمدند و اکنون تولیدات متنوع و اتفاقات بسیار خوبی دارد در این حوزه رخ می‌دهد.

این دستاوردها، غیر از اینکه نیازهای مردم ما را دارد رفع می‌کند، باعث ایجاد حس غرور و عزت‌نفس ملی هم می‌شود. یکی از بیماران ما سفری به آلمان داشت و در آن سفر مشکلی برای پروتزش پیش آمده بود و برای رفع آن، به یکی از کلینیک‌های شرکت «اتوبوک» که بزرگترین تولیدکننده تجهیزات توان‌بخشی دنیاست مراجعه کرده بود. آنجا فکر کرده بودند که آن پنجه‌های کربنی از محصولات خودشان است و قبول نمی‌کردند که تولید ایران باشد؛ می‌گفتند که امکان ندارد که ایران توانسته باشد به فناوری خاص تولید این محصول برسد. آن دوست ایرانی، که خودش رییس بیمارستان است، می‌گفت: «وقتی بهشان ثابت کردم که پروتزهایم کاملاً ایرانی است، احساس



غرور بسیار زیادی داشتم که کشور من به چنین جایگاه فناورانه‌ای رسیده است.»

در حوزه علم و فناوری ما واقعا داریم به سمت قله‌ها حرکت می‌کنیم و در مواردی مانند هسته‌ای و موشکی، این نزدیکی به قله‌ها را داریم می‌بینیم. برای همین هم هست که آمریکا و غرب، اینقدر نگران پیشرفت ما هستند و وقتی می‌بینند با تحریم و تحمیل و مذاکره نمی‌توانند این رشد را متوقف کنند، با وقاحت و عبور از همه خطوط قرمز قوانین بین‌المللی، به حمله نظامی روی می‌آورند. آنها می‌دانند وقتی صاحب علم و فناوری بشوی، صاحب قدرت می‌شوی و زیر بار حرف زور هیچ کشوری نمی‌روی. می‌دانند که ایران، نتایج این دانش را از همسایگان و کشورهای محروم دیگر دریغ نمی‌کند و انحصار و تحکم فناورانه غربی‌ها در منطقه را از بین خواهد برد. وقتی که ما تصمیم گرفتیم یک واحد تولیدی پنجه‌های کربنی در کشور عراق تأسیس کنیم، همگی گفتند که این تجهیزات می‌توانند چه کمک بزرگی برای کشورهای اطراف باشند. به ما نشان دادند که چگونه رادیوداروهای ایرانی دارد بیماران عراقی را در همان عراق درمان می‌کند.

جان کلام اینکه علم و فناوری باعث غرور ملی، باعث ایجاد قدرت و باعث استقلال کشور و زیر بار حرف زور نرفتن در همه حوزه‌ها می‌شود و ایران را بیش از پیش سربلند می‌کند. یادداشت شفاهی حمیدرضا مقاره‌عابد؛ مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان تولیدکننده پنجه کربنی

منبع: خانه هنر و رسانه پیشرفت



تدبر در قرآن، بیعت با ولایت

سیده زهرا رضوی

تدبر به معنای فهم غایت و عاقبت کلام الهی است که باید در مخاطب به اندازه درک و فهم او از قرآن، راهنمای علم و عمل وی قرار گیرد. برای فهم این غایت و عاقبت باید از عنصر تفکر و تعقل بهره گرفت. برای فعال شدن تفکر و تعقل نیازمند به حکم و معیار الهی بوده و از این جهت نقش رسول و ولی الهی غیر قابل کتمان است. بر این اساس هر قدر توان کشف معیار بیشتر شود فعال شدن تفکر و تعقل بیشتر ممکن می شود و نیز هر قدر حقایق بیشتر به سمت پیاده سازی و عمل برود، حاکمیت عقل در زندگی بیشتر می شود.

بدین ترتیب داشتن معیار و عمل دو مؤلفه مهم پیاده سازی آیات نورانی است که با رجوع به روایات و ادعیه، امکان دستیابی بیشتری خواهد داشت. به منظور داشتن رجوعی کارآمد به روایات باید موارد زیر را در نظر گرفت:

سوره با دقت مطالعه شود و حقایق آن استخراج شود و رخدادهایی که در سوره تبیین شده با دقت مورد توجه قرار گیرد.

موضوعات سوره یا عناوین حقایق آن یا ویژگی رخدادهای مشخص شود و با رجوع به سیره نبوی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رویکرد و منظر ایشان درباره آن ها جستجو شود.

آنچه از سیره و آیات نورانی به دست می آید را در نظمی دوباره به قصد پیاده سازی بررسی کرده و دستورهای اجرایی لازم به دست آید.

بین قرآن با ولایت و قرآن بدون ولایت فرق است. روح حاکم بر قرآن با ولایت حرکت، امید، نشاط، ستیز با طاغوت، همراهی با رشد، برائت از هر غی و است. قرآنی کاملاً در متن در زندگی است که زندگی حقیقی بدون آن در هیچ حالتی امکان پذیر نباشد؛ قرآن با ولایت چنین قرآنی است.

بهره از روایات در ارتقای تدبر سوره ها هم در فعال کردن تفکر و تعقل در فهم معانی کلمات، موضوعات، آیات و سوره ها اهمیت دارد و هم ما را در عمل و پیاده سازی راهنمایی می کند و نیز به عنوان شاخص و میزان فهم حاصل از روش های تدبر به حساب می آید. مطالعه روایات اگر به منظور پیاده سازی حقایق دین و زندگی صورت پذیرد به عنوان بهترین پس زمینه در داشتن جهان بینی قابل قبول رو به رشد نسبت به اصول اساسی زندگی یعنی توحید،



نبوت، معاد و ولایت است. طبیعی است ضعف در فهم این اصول منجر به ضعف تدبیر در سوره‌ها خواهد بود.

بنابراین اگر کسی به قرآن همراه با سیره نبوی و اهل بیت علیهم السلام اعتقاد نداشته باشد یا از این همراهی در موضوعات خبر نداشته باشد قادر به پیاده‌سازی آیات نخواهد بود، زیرا فهم او از چنین قرآنی حداقل دارای نواقص زیر است:

- امکان شناخت بسیاری از حقایق را نخواهد داشت؛ زیرا بخش قابل توجهی از حقایق قرآن به طور مستقیم در رابطه با نظام ولایی، رسول و ولی الهی است.
- مطالبی که از قرآن درک می‌کند منطبق با واقع نیست. زیرا متأثر از ذهنیت‌ها، شبهه‌ها و شائبه‌های غیرواقعی است.

حقایق مورد مطالعه و بررسی او فاقد مصادیق روشن و واضح و یا اساساً مطالبی فاقد مصداق‌اند. در این صورت مصادیق بسیاری از آیات بر اساس مصادیق غیرواقعی تعیین می‌شود.

هر یک از این نواقص فرد را از تدبیری که فهم غرض پروردگار از نزول آیات و سوره‌هاست دور می‌کند و حتی در بسیاری موارد، فهم او را به گونه‌ای دچار اختلال می‌کند که غایتی بر خلاف آنچه خدا در نظر دارد متوجه می‌شود. این معضل در آیه زیر این گونه بیان شده است:

سوره مبارکه ملک، آیه ۲۲: أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بر این اساس باید کسی که در وادی تدبیر در قرآن - که وظیفه عمومی همه است - قدم می‌گذارد، به قرآنی معتقد باشد که با عترت علیهم السلام عجین و یکی است و هیچ افتراقی در هیچ بُعد و حالتی برای آن متصور نمی‌شود. (تخلیصی از درس هشتم گزیده‌ای از روش‌های تدبیر در قرآن)



رابطه علم و حیات

سیده زهرا رضوی

علم و حیات دو مفهوم ملازم با یکدیگرند. متناسب با مراتب علم می‌توان مراتبی از حیات را در نظر گرفت. آیات قرآن دو نوع حیات را مطرح می‌کنند؛ حیات دنیوی و حیات اخروی. بنابر آیات و روایات کسانی که طالب حیات دنیوی هستند نمی‌توانند طالب حیات آخرتی هم باشند. این افراد در جستجوی علمی هستند که حیات دنیا را که ممزوج با هلاکت و فناست آباد نمایند. کسانی که طالب حیات اخروی هستند در صدد علمی هستند که ضامن حیات ابدی آن‌ها بوده و زاد و توشه لازم را در اختیارشان قرار دهد. در منطق سوره مبارکه بقره تقوا زاد و توشه آخرت معرفی می‌شود. همراهی تقوا با علم آن را در محدوده علم حقیقی و حیات‌بخش که زندگی اخروی را آباد می‌کند قرار می‌دهد.

آنچه ضروریست مورد توجه قرار گیرد این باور است که انسان دارای مراتبی از حیات است و می‌تواند با اختیار خود آن را به دست آورد. این مطلب لازم است موجب شوق و حرکت و سعی و خشیت او در دستیابی به بهترین حیات شود. بر این اساس دستیابی به حیات حقیقی باقی‌دارای مراتب، از مقاصد انسان است و خداوند آخرت را برای انسان بهتر و باقی‌تر معرفی کرده است.

حیات دنیا مقدمه حیات آخرت است و انسان ناگزیر در حیات دنیا زندگی را آغاز نموده تا در آخرت و حیات حقیقی آن منزل گزیند. در حیات دنیا رسولان با انسان همراهی می‌کنند تا به درستی منازل دنیا را طی نموده و به آخرتی آباد دست یابد. این همراهی با تعلیم کتاب و حکمت و به واسطه انذار رسول تحقق یافته موجب خروج از غفلت، همچنین خروج از ظلمات و تاریکی‌ها به نور می‌گردد.

بر این اساس قرآن در دستیابی به حیات و علم نقش کلیدی می‌یابد و به عنوان تأمین کننده حیات حقیقی و علم است. کتاب وحی هم در محتوادهی علمی و هم در اصلاح ساختار دریافت علم، انسان را یاری می‌دهد. در اصلاح ساختار دریافت علم، قرآن قدرت رویت و شنیدن پدیده‌ها و رخدادها را در فرد ایجاد می‌کند. چنین فردی بینایی و بصیرتی متفاوت در فهم موضوعات و مسائل زندگی می‌یابد. او را با نور قرآن پیرامون خود را می‌بیند و در راستای زندگی ابدی و حقیقی تحلیل مناسب داشته اقدام لازم را انجام می‌دهد. قرار گرفتن در معرض دستاوردهای چنین علمی موجب ارتقای حیات



فرد و اجتماع می‌گردد و حرکت و پویایی مثبت و در راستای حیات ابدی در اجتماع جریان می‌یابد.

این گونه فرد با آغاز زندگی و قرار گرفتن در حیات دنیا و بهره‌مندی درست از آن به واسطه تعلیم کتاب و حکمت در چرخه‌ای از حیاتِ علم آفرین و علمِ حیات آفرین قرار گرفته و در امتداد آن به حیات ابدی راه می‌یابد.



کلام واسطه ارتباط با دیگران

حمیده اسدی

هرگونه ارتباطی در زندگی انسان وابسته به کلام است. بنابراین شناخت حقیقت کلام و کلام حقیقی به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات کلیدی برای او به شمار می‌رود. این موضوع از جنبه‌ای به رابطه خدا با انسان و انسان با خدا و از جنبه‌ای دیگر به انواع روابط انسان‌ها با هم می‌پردازد. انواع تألیف کلمات، انواع قصد و خطاب و انواع تکلم منجر به پیدایش انواع کلام و بروز جلوه‌های رحمت، حسن و حکمت می‌گردد. در این‌بروز آنچه از کلام جاری شده و باقی می‌ماند اراده خداوند است که به کلام حقیقی شناخته شده و لازم است هر کلام دیگری اعتبار و ارزش خود را از آن اخذ کند.

کلام در زندگی ما امری نامانوس نیست، در حالی که تقریباً همه علوم خود را وام‌دار کلام می‌دانیم و به خوبی به ارزش آن واقفیم. از درخواست‌هایمان گرفته تا فرمان‌هایمان، از القائاتی که به دیگران می‌کنیم و القائاتی که می‌شویم و... همه و همه در اثر کلام و به وسیله آن تحقق می‌یابد.

• کلام نه در ادبیات بلکه در تار و پود هنر و نه در هنر بلکه در همه عرصه‌های اجتماعی نقش محوری و کلیدی دارد و در تمام حوزه‌های تفکر و تعقل تأثیرگذار است و از همه مهم‌تر اینکه کلام، انتقال وحی الهی را بر عهده دارد و ما را از راه‌های آسمان و طریق هدایت و سیر معنوی آگاه می‌سازد.

• کلام در فضای ارتباط خدا با انسان و انسان با خدا رکن اصلی است. لذا بحث از آن در مباحث مربوط به عبودیت و معنویت امری ضروری است.

• کلام در فضای ارتباطات مردم با هم به عنوان رکن اصلی است. لذا بحث از آن در مباحث اجتماعی ضروری می‌باشد.

• کلام در فضای تعاملات مردم و داد و ستدهای آنها به عنوان رکن اصلی است. لذا بحث از آن در مباحث حقوق امری ضروری است.

• کلام در فضای تعلیم و تزکیه به عنوان رکن اصلی است. لذا بحث از آن در مباحث مربوط به تعلیم و تزکیه امری ضروری است.

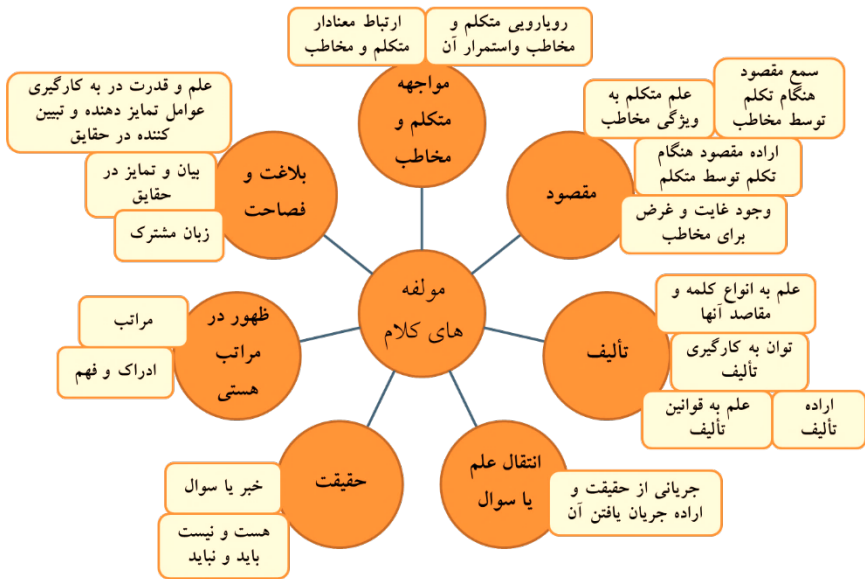
• کلام در فضای هنر، رسانه و تبلیغ به عنوان رکن اصلی است. لذا بحث از آن در مباحث هنری و تبلیغی امری ضروری است.^۱

• کلام در فضای حاکمیت و حکومت به عنوان رکن اصلی است و همه بایدها و نبایدها منوط به آن است. لذا بحث از آن در مباحث مربوط به نظام‌سازی امری

۱. تدبیر در کلام، احمد رضا اخوت، انتشارات قرآن و عترت علیهم‌السلام



ضروری است.
کلام از یک سمت به زبان یا ابزار القاء (لسان) و از سمت دیگر ابزار دریافت (سمع/بصر) و از سمت دیگر ابزار تحلیل برای واکنش (فؤاد) نیاز دارد. این در مورد مخلوق است. این قاعده برای همه موجودات وجود دارد. اما سمع و لسان و افئده هر موجودی متناسب با خودش است.
موضوعات و مولفه های کلام را در نمودار زیر می بینیم:





هندسه هدایت

کار گروه حیات

پیش از آن که درس را شروع کنم، چند لحظه‌ای به آسمان شب فکر می‌کنم، به ستاره‌ها. به این نقطه‌های درخشان که از دور کوچک به نظر می‌آیند، اما هر کدام‌شان دنیایی بزرگ و باشکوه‌اند. بعد با خودم می‌گویم اگر قرار باشد روزی نظم و شگفتی جهان را برای دانش‌آموزانم تصویر کنم، چه مثالی بهتر از همین ستاره‌ها؟

این همه ستاره در آسمان، پراکنده و بی‌هدف قرار نگرفته‌اند. هر کدام جایگاه مشخصی دارند، فاصله‌های دقیق از یکدیگر دارند و در مسیری معین سیر می‌کنند^۱. انگار همه آن‌ها در دل برنامه‌ای بزرگ از هستی قرار گرفته‌اند؛ برنامه‌ای که در آن هیچ چیز تصادفی و بی‌قاعده نیست. وقتی کمی دقیق‌تر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این نظم فقط یک حس شاعرانه نیست؛ پشت آن حساب و اندازه هست. فاصله ستاره‌ها با عددهای بسیار بزرگ سنجیده می‌شود؛ فاصله‌هایی که گاهی با «سال نوری» اندازه‌گیری می‌شوند. حرکت بسیاری از آن‌ها با سرعت‌هایی انجام می‌شود که اگر بخواهیم با عدد بیان کنیم، حیرت‌انگیز است. دانشمندان می‌توانند مسیر حرکت برخی از ستاره‌ها را محاسبه کنند، سرعت‌شان را بسنجند و حتی پیش‌بینی کنند که در سال‌ها و قرن‌های آینده در کجای آسمان دیده خواهند شد. همین محاسبه‌ها به ما نشان می‌دهد که پشت این زیبایی آرام، نظم عظیم و دقیق در کار است که می‌تواند برای موجودات زنده از جمله انسان در شناخت اوقات و سامان‌دهی برنامه زندگی کارآمد باشد^۲.

اما نقش ستاره‌ها فقط در زیبایی و نظم‌شان خلاصه نمی‌شود. آن‌ها قرن‌ها راهنمای انسان‌ها بوده‌اند. زمانی که مسافری در دل بیابان‌های تاریک راه می‌رفت یا دریانوردی در میان آب‌های بی‌کران دریا سرگردان می‌شد، نگاهش را به آسمان می‌دوخت. ستاره‌ها برای او نشانه بودند؛ نشانه‌هایی ثابت و قابل اعتماد که مسیر شمال و جنوب و جهت حرکت را نشان می‌دادند. در دل تاریکی خشکی و دریا، همین نورهای دوردست کمک می‌کردند تا انسان‌ها راه خود را پیدا کنند و از گم شدن نجات یابند.

گاهی فکر می‌کنم شاید یکی از زیباترین درس‌هایی که می‌توان از ستاره‌ها

۱. فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَفَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶ وواقعہ)

۲. وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَابْدَأِ النُّجُومَ (۴۹)



گرفت همین باشد: اینکه جهان با نظم پیش می‌رود، حتی اگر ما همه جزئیاتش را ندانیم. اینکه فاصله‌ها و حرکت‌ها حساب دارند. و اینکه حتی نوری که از فاصله‌ای بسیار دور می‌تابد، می‌تواند راهی را برای کسی روشن کند. حتما دانش آموزانم را به رصد آسمانی پرستاره خواهم برد؛ نه فقط برای تماشا، بلکه برای فکر کردن. برای دیدن نظم‌ی جمعی و هماهنگی که در سکوت آسمان جریان دارد^۳، برای فهمیدن اینکه در این جهان بزرگ، هر چیز جایگاهی دارد و به کاری آید، برای توجه به اینکه هر نور هر چند کوچک هم باشد، می‌تواند راهی را روشن کند و گمشده‌ای را نجات دهد و به مقصد برساند...^۴

۳. إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶) صافات

۴. وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷) انعام



ضرورت پرهیز از کلمات کفر و گرایش به کلمات توحیدی

شهربانو کندی

کلماتی که از بلاد کفر وارد تمدن دینی می‌شود در فکر انسان‌ها اثر می‌گذارد. کلمه‌ها گزاره‌ها را می‌سازند و گزاره‌ها معیارها، پیش‌فرض‌ها و سبک زندگی تولید می‌کنند. اگر کلمه‌ها کلمه‌های کفر باشند با آلوده کردن ابعاد وجود فرد، سبک زندگی او خواسته یا ناخواسته کفرآلود می‌شود. مثلاً کلمه «اصلاحات» با آنچه که در بیان امروزی رواج یافته کاملاً متفاوت است. اصلاحاتی که تعریفش از فرهنگ کفر وارد می‌شود، با اصلاحاتی که از قرآن تعریف می‌شود بسیار متفاوت است. در بیان قرآن اصلاح یکی از مولفه‌های بلوغ عاطفی^۱ است و به بالاترین مقام اجرایی تحول‌آفرین که معروف به امام عصر (عج) است، «صالح» گفته می‌شود. ایجاد انحراف در تعریف کلمات از موثرترین و مخفی‌ترین شیوه‌ها در انحراف باورها و افکار جوامع علی‌الخصوص جامعه دینی ماست.

اگر انسان فکر کند در قرآن و در کلام توحیدی کلمه‌ای وجود ندارد و باید کلمات و علم برخاسته از آنها را از بلاد کفر بیاورد کم‌کم جاری کننده کلمات کفر می‌شود و از دین فاصله می‌گیرد و از آن احساس بدی خواهد داشت. چنین افرادی از امکاناتی هم که در اختیار دارند استفاده نمی‌کنند و در تمام ابعاد وجودی‌شان دنباله رو کفر و فرهنگ و علم آن خواهند بود.

فهم کلمات قرآن لازمه برائت از کفر

سوره‌های برائت (توبه) و کافرون از جمله سوره‌هایی هستند که به برائت از قول و فعل کافران پرداخته‌اند. سوره مبارکه کافرون مشابه با سوره‌های معوذتین و توحید و جن با قل آغاز شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده تا به صراحت به کافرین اعلام موضع نماید.

این سوره به چگونگی مرزبندی در اعتقادات اشاره دارد و به ما نحوه موضع‌گیری در برابر مشرکین و شرک را نشان می‌دهد. در این موضع‌گیری می‌توان:

- به جایگاه برائت در زندگی پی برد.
- به اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین موضوعات زندگی توجه کرد.
- نقش اعتقادات درونی در ایجاد سبک زندگی را مطلع شد.
- چگونگی ایجاد فاصله با حقیقت را با توجه به نطق افراد دانست.

۱. رک. کتاب بلوغ با هم بودن



• همچنین می‌توان به جایگاه تعریف افراد از واژگان مشترک در زندگی پی‌برد. در این سوره مبارکه پیامبر(ص) از عبودیت آنچه مشرکان می‌پرستند برائت می‌کند و بین معبود خود و معبود مشرکان تقابل و تمایز ایجاد می‌کند. در بیان این سوره عبودیت خدای متعال با عبودیت شرکاء قابل جمع نیست. هرچند هردو را عبودیت نام‌گذاری کرده است. شاید این نام‌گذاری به خاطر پس زمینه سوره است که در این باره علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: ^۲ «در الدر المنثور آمده که ابن جریر، ابن ابی حاتم، و ابن انباری در کتاب (المصاحف)»، از سعید بن میناء مولای ابی البختری روایت کرده‌اند که گفت: ولید بن مغیره و عاصی بن وائل و اسود بن مطلب و امیه بن خلف رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند و گفتند: ای محمد بیا خدایانمان را روی هم بپرزیم، ما خدای تو را پرستیم و تو خدایان ما را در نتیجه غائله و کدورت بین ما بر طرف شود، همه در پرستش معبودها مشترک باشیم، و بالأخره یا معبود ما حق است و یا معبود تو، اگر معبود ما حق و صحیح‌تر بود سر تو بی کلاه نمانده، و از عبادت آنها حظی برده‌ای، و اگر معبود تو حق و صحیح‌تر از معبود ما باشد سر ما بی کلاه نمانده، از پرستش او بهره‌مند شده‌ایم. در پاسخ این پیشنهاد خدای تعالی این سوره را نازل کرد که بگو: هان ای کفار! من هرگز نمی‌پرستم آنچه را که شما می‌پرستید، تا آخر سوره.

بر این اساس مشرکان نیز بت‌پرستی خود را عبودیت نامیده و در کنار آن خدای متعال را نیز معبود پیامبر(ص) می‌دانستند. به فرموده علامه طباطبایی در المیزان مشکل مشرکان این نبوده که به خدای متعال اعتقاد نداشتند بلکه آنها و ثنی‌پرست بوده‌اند به این معنا که ربوبیت مطلق خدای متعال را نمی‌پذیرفتند. در این صورت به نظر می‌رسد پیشنهادی که مشرکان به پیامبر داده‌اند برای ایجاد ابهام در تعریف و مرزبندی محدوده عبودیت است که باعث شده مخاطب توهّم کند که عبودیت دو معبود قابل جمع است. در مورد همین کلمه، با کمی دقت، همین اندازه که بدانیم تعریف عبودیت «غایة التذلل فی قبال مولی مع الاطاعة» ^۳ است درمی‌یابیم که قسمت اصلی تعریف یعنی «نهایت تذلل» نمی‌تواند در مقابل دو معبود محقق شود و به همین راحتی می‌توان از تله چنین پیشنهاداتی گریخت. به همین دلیل هم هست که در این سوره مبارکه محوریت برائت پیامبر اکرم(ص) تأکید بر تمایز این دو نوع عبودیت است.

گویی در این سوره مبارکه ریشه اختلافاتی که به تدریج در جامعه دینی، ذهن و باور مردم را به حاکم و حکومت اسلامی بدبین می‌سازد را بیان کرده

۲. المیزان، بحث ربوبی ذیل تفسیر سوره مبارکه کافرون
۳. التحقیق ذیل ریشه عبد



است. وقتی مردم ببینند که دینداری کم‌کم از حالت خالصانه و عبادانه‌ای که در ابتدای تشریف به اسلام از قرآن و سیره رسول خدا(ص) فهمیده بودند به دنیاپرستی و منفعت‌پرستی و اختلافات طبقاتی متمایل شده است قبل از اینکه به ریشه‌یابی در این باره بپردازند، ذهنشان نسبت به دینداران و علی‌الخصوص رهبران جامعه دینی بدبین می‌شود و بدون اطلاع و کمی جوسازی رسانه‌ای این بلیه را به تمامی افرادی که در بدنه حکومت خدمت می‌کنند تعمیم می‌دهند. غالباً افراد ساده‌لوح زودتر از دیگران در این دام گرفتار می‌شوند و سردمداران این جریان نیز روزبروز با سوء استفاده از زودباوری مردم بر این آتش می‌دمند.

نتیجه

وقتی کلمات کفر در جامعه دینی رایج می‌شود سوءظن به خدا و ولی الهی گسترش می‌یابد. بدین ترتیب هر اتفاق مثبتی هم در جامعه دینی بیفتد، افراد بدبین از آن برداشت سوء دارند. رفته‌رفته چنین افرادی ولایت کسانی را می‌پذیرند که در همه جوانب، فساد و کذب دارند و در مقابل از ولایت ولی الهی که کلمه‌ای کذب در او راه ندارد سرباز می‌زنند. صحبت‌هایی که در جامعه کنونی از سوی برخی وطن‌فروشان می‌شنویم ریشه در چنین جریانی دارد. برخورد انفعالی نسبت به هجوم تعاریف یا ترجمه‌های ضعیف از ادبیات متجاوز کفر که به شکل‌های مختلفی از جمله ترویج سبک زندگی غربی در تمامی شئون، برجسته‌کردن منافع و پوشاندن مضرات آن اجرا می‌شود باعث شده این کلمات و ادبیات به راحتی در اذهان و تکلم مردم و باورهای آن‌ها رسوخ کند و بدون عکس‌العمل به موقع و قوی در مواجهه با آنها -که ضروری است به صورت مدیریت‌شده اتفاق بیفتد- خیلی زود ذائقه‌ها به همان سمت کشش داشته و ادبیات جامعه از صدر تا ذیل اساساً دین‌گریز و وطن‌گریز شود.

آنچه مهم است پیشدستی و برنامه ریزی متعهدانه برای این منظور است. پرداختن به تعریف کلمات از ضروریات فرهنگ‌سازی، ترویج وطن‌پرستی، اصلاح سبک زندگی، تولید علم و از ارکان نظام‌سازی است. از کمترین منافع این تلاش این است که کلمات بنا به منافع فرد یا گروهی خاص مصادره به مطلوب نمی‌شوند. ضروری است که این فرهنگ در جامعه علمی و دینی گسترش یابد و برخی از ارگان‌ها در این باره مسئولیت بیشتری نسبت به سایرین دارند. مسئولیت خطیری که نباید از آن سرباز زنند یا در انجام آن کوتاهی و سستی کنند.

توسعه و ترویج پرداختن به تدبیر در قرآن و روایات از راهکارهایی است که با تاسیس ادبیات غنی، پویا و کارآمد در جامعه دینی، سد مستحکمی در مقابله



با هجوم ادبیات و فرهنگ کفر خواهد ساخت. اگر این امر به صورت نظام‌مند در سطوح مختلف و برای سنین مختلف آموزش داده شود و با ایمان و سعی مجاهدانه به تولید علم و فناوری منجر شود هم باعث خودکفایی و تولید ثروت و هم عزتمندی و قدرت می‌شود. آنچه آرزوی هر جامعه مدنی است.

نیت جمع ما نشر معارف قرآنی در قالبی جذاب و محتوایی غنی است.

اگر در این راستا ایده‌ای برای بهبود مطالب نشریه به نظرتان می‌رسد،

بسیار خوشحال می‌شویم که با ما در میان بگذارید.

<https://ble.ir/hmofidi>

